

السلام عليك يا قتيل المذاكرات











« زندگی از منظر سوره فتح:

جلسه نوزدهم - ۱۹ خرداد ۱۴۰۵

فرقِ «مشکل» همهٔ کودکان با اکثر بزرگتر چیست؟

« مُشکلِ همهٔ کودکانِ جهانِ »،

« علمی » است زیرا « آنها نمی‌دانند. »

اما « مُشکلِ اکثرِ بزرگترهایِ جهانِ »،

« عملی » است زیرا آنها « باور ندارند. »

« مُخَلَّفِينَ » و « أَعْرَابَ »،

« کودکانیند » که « خیلی چیزها » را

در « سرِ » خود « حمل می کنند » اما

با « قلبِ » خود هنوز « باور نکردند. »

آیة ہجدهم:



لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ
إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ

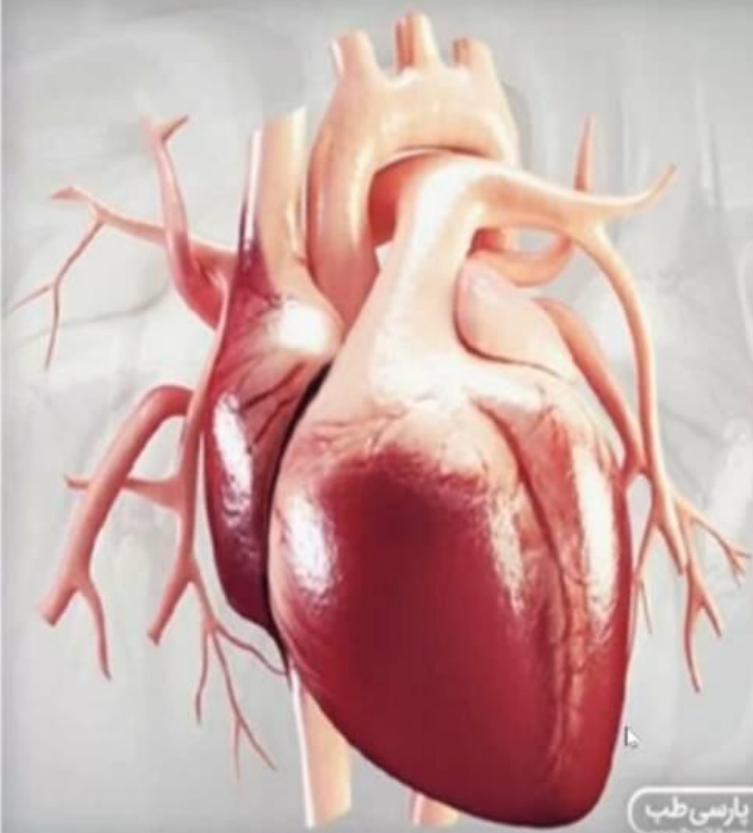
فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (١٨)

« ۲۰ نوع قلب در قرآن: »

- ١- **قلب سليم:** ... إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (شعراء/٨٩)
- ٢- **قلب المنيب:** مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (ق/٣٣)
- ٣- **قلب المُخبت:** ... فَتُخَبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ ... (حج/٥٤)
- ٤- **قلب الوجل:** وَالَّذِينَ ... قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (مومنون/٦٠)
- ٥- **قلب التقى:** ... مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج/٣٢)
- ٦- **قلب المهدى:** وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ (تغابن/١١)
- ٧- **قلب المطمئن:** وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ ... (رعد/٢٨)
- ٨- **قلب الذاكر:** إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ {ق/٣٧}

- ١- **قلب المريض:** فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ ... (احزاب/٣٢)
- ٢- **قلب الأعمى:** وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج/٤٦)
- ٣- **قلب اللاه:** لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ ... (أنبياء/٣)
- ٤- **قلب الآثم:** لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ (بقره/٢٨٣)
- ٥- **قلب المتكبر:** ... قَلْبٌ مُتَكَبِّرٌ جَبَّارٌ ... (غافر/٣٥)
- ٦- **قلب الغليظ:** وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران/١٥٩)
- ٧- **قلب المختوم:** ... وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبَهُ ... (جاثيه/٢٣)
- ٨- **قلب القاسي:** ... وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً ... (مائدہ/١٣)
- ٩- **قلب الغافل:** ... وَلَا تَطْعَمَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا ... (كهف/٢٨)
- ١٠- **قلب الأغلف:** ... وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ... (بقره/٨٨)
- ١١- **قلب الزائغ:** ... فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ ... (آل عمران/٧)
- ١٢- **قلب المريب:** ... وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ ... (توبه/٤٥)

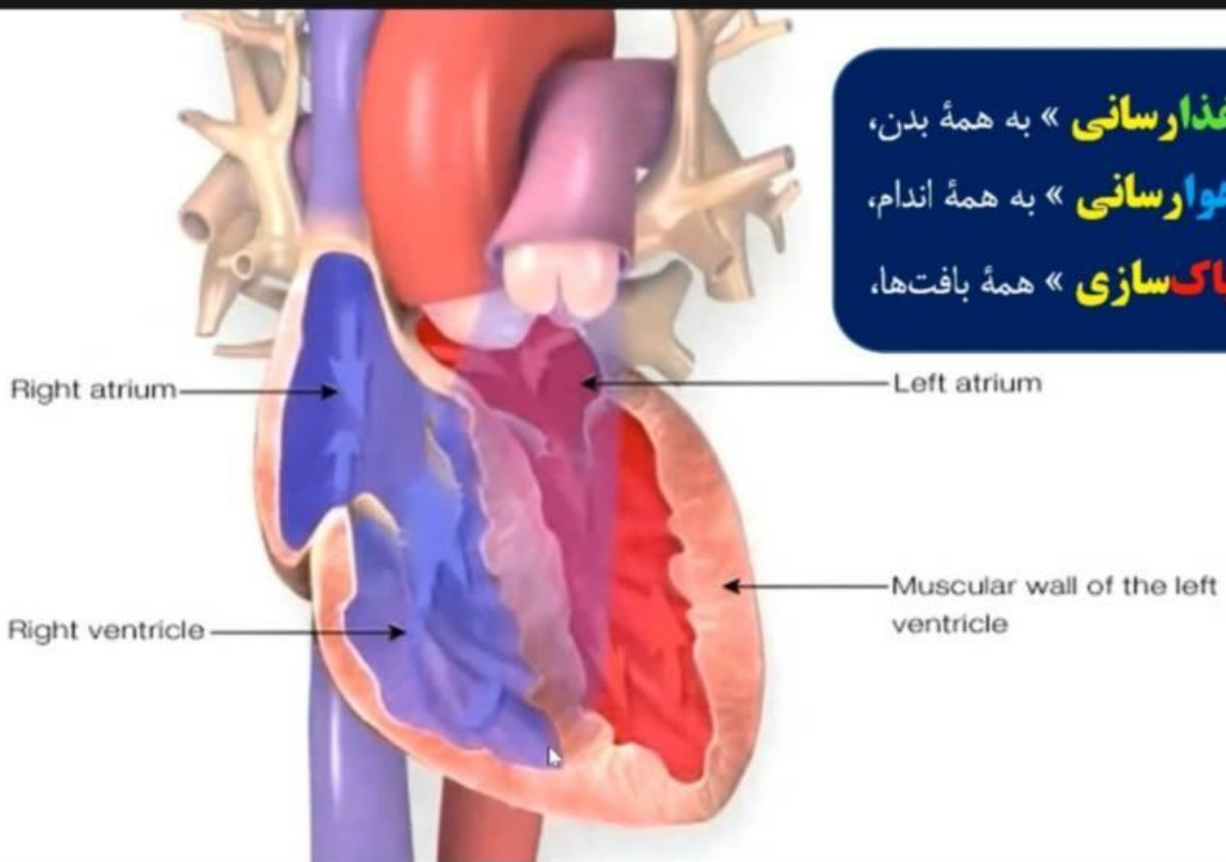
نشانه‌های قلب سالم



۱- «غذارسانی» به همه بدن،

۲- «هوارسانی» به همه اندام،

۳- «پاک سازی» همه بافتها،





چرا قرآن بدر و أحزاب را «فتح» نمی نامد؟

در « **پیروزی** بدر و أحزاب و سایر پیروزی‌ها،
« مردم » حتماً با « **خطر** یا **نفعی** » مواجه بودند،
اما در « صلح حدیبیه » و در « **فتح** **مکه** »،
اولاً: « مردم » انگیزه « **شخصی** » نداشتند،
ثانیاً: « **گشایش** فتح »، « **برکات مداومی** » دارد.

« نظر حضرت آیه الله جوادی املی: »
« فتح » آنست که انسان سرزمینی را بگشاید،
و گشوده بشود و وارد آن بشوند،
پس « صرف پیروزی »، « فتح نیست. »

« بیعت به موقع با رهبر »،
چندتا « جایزه » دارد؟

آیة هجدهم:



لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ

إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ

١- فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ

٢- وَأَنْابَهُمْ فَتَحاً قَرِيباً (١٨)

آیة نوزدهم:



۲- وَ مَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (فتح/۱۹)

« جوایز »: إطاعت کردن، اعتراض نکردن، بیعت و حمایت از رهبر الهی،

۱- « آرامش قلبی بعد از اضطراب »،

۲- « فتحی بزرگ و نزدیک بعد از تحریم‌های بسیار سخت شعب ابوطالب »،

۳- « غنائمی فراوان بعد از مشکلات کمرشکن اقتصادی. »

بخش اول
آیه یستم:

۴- وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا

۵- فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ ...

(فتح/۲۰)

۴- خدا به شما نیز غنائم زیادی وعده داد که (به شرط مقاومت) آنها را می گیرید،

۵- پس این (فتح بسیار بزرگ خیبر) را برایتان جلو انداخت،

« ... تَأْخُذُونَهَا فَعَجِّلَ لَكُمْ هَذِهِ ... », یعنی:

« این فتح خیر »,

« جایزه » و « پیروزی نقدی » بود،

که خداوند به شما مؤمنین داد.

بخش دوم
آیه یستم:

۴- وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ

۵- وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ ...

(فتح/۲۰)

۵- و دست مردم (کافر را با وجود حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه)

از شما کوتاه کرد،

« كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ » یعنی:

دشمنان « مسلّح » و « چند برابر شما » بودند،

و شما « در خاک آنها » و « غیر مسلح » بودید،

پس آنها می‌توانستند همه شما را از بین ببرند،

اما³⁴ « ما دست آنها را بستیم و ما نگذاشتیم. »

« کف^س » یعنی چه؟

« **كَفَّ عَنْ** ... » (که با: کفایت، کفالت، کتمان، بخل فرق دارد) یعنی:

« **جلوگیری** از تعرض به دیگران »

« **دفع** خطر بیرونی نزدیک »:

وَ هُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ ... (فتح/۲۴)

... إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ... (مائده/۱۱)

« **كَفَّيْن** » (دو دست):

« ظرفی مناسب برای آب خوردن »،

به شرط اینکه « اَنگِشْتان **مَتَّحِد** باشند »:

... الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ...

كَبَاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ ... (رعد/۱۴)

فرقِ « کفّ » با « ید » چیست؟

« **كَفَّ** » یعنی: (قوّۀ دفاعیہ)

« **منع و دفع** آسیبِ نزدیک از بیرون. »

« **يَد** » یعنی: (قوّۀ مجریہ)

« **إِبرازِ توانائی‌ها و قدرتِ خود.** »

بخش سوم
آیه ییستم:



وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ...

(فتح/۲۰)

... يَا حَبَّتِي برای (اثبات لطف الهی بر) مؤمنین باشد ...

« ... وَ لَتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ » یعنی:

با این « **فتح** »،

قاعده: « كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِيهَا كَثِيرَةٌ » إثبات شد.

تا هر که « مشکل علمی » دارد « معرفت » پیدا کند،

و هر که « مشکل عملی » دارد « باور » کند،

و آنکه هیچ مشکلی ندارد « با اطمینان » ادامه بدهد.

خداوند سقوط قلعهٔ خیبر و غنائم فراوان آن را برای مسلمین جلو انداخت.
اما در روز اول حمله، مسلمانان ناکام ماندند و موفقیتی نداشتند،
لذا **حضرت رسول اکرم** صلی الله علیه و آله فرمودند:
فردا پرچم رهبری را به دست فردی می‌دهم که
خداوند و رسول خدا از او راضی‌اند و او را دوست دارند،
و روز بعد پرچم را به **حضرت امیرالمؤمنین** صلوات الله علیه سپردند،
و آن^{۴۳} ید الله الأعظم درب بزرگ قلعه را از جا کردند و دشمن را فراری دادند.

« کم خسارت‌ترین جنگ‌های صدر اسلام »،
« جنگ خیبر » و « جنگ احزاب » بودند که در آنها
« عظمتِ مقامِ حضرتِ علی » صلوات الله علیه نمایان شد.
لذا خداوند « جنگِ خیبر » را
« آیه و معجزه » برای « مؤمنین » نامید:
« ... وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ... »

بخش چهارم
آیه یستم:



وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ
وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

(فتح/۲۰)

جایزه ششم:

و شما را به « صراط مستقیم » (؟؟؟) هدایت کند.

منظور از « صراط مستقیم » چیست؟

صراطِ مستقیم،

زندگی با قبولِ « ربوبیتِ الهی »،

و قبولِ « بندگیِ خدا » است:

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

(آل عمران / ۵۱) (مریم / ۳۶) (زخرف / ۶۴)

الله، خدای من و خدای شماست پس او را بندگی کنید، صراط مستقیم اینست.

در جنگ خیبر « هیچ حکم شرعی جدیدی نازل نشد »،
که « مصداق هدایت به صراط مستقیم » باشد،

فقط « حیدر کرار » مصداقِ « صراط مستقیم » معرفی شد.
علاوه بر احادیث متعدد و خطبه غدیر، خود آن حضرت نیز می‌فرمودند:

« من صراط مستقیمم. »

لذا در دعای ندبه امام زمانمان را: **يَا بْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ** صدا می‌زنیم.

« حضرت امام صادق « صلوات الله عليه، فرمودند:

« اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ »،

« هُوَ عَلِيٌّ »

(تفسير اهل بيت عليهم السلام ج ۱۴، ص ۱۲) (الإختصاص، ص ۷۹)

خدایا؛

« **عقلانیت** » ما را چنان تقویت فرما،
تا بتوانیم به مقام « **ضراط مستقیم** » برسیم،
و از « **عنایت ویژه تو** » برخوردار شویم،
و در « **ظهور آخرین حجت** » سهیم باشیم.

